



اهداء‌گر اسناد

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1377 - شماره 31 و 32
از 153 تا 158

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92231>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 12/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

اهداگر اسناد

بدشان هم نمی آمد که اثری از آثار او هرگز نماند. در طی سال‌ها تغییر خانه و جابجایی های پی در پی که مادرمان همه آنها را همراه می برد چه لطماتی به آن همه آثار بارزش وارد آمد. تا سرانجام کتابهایش را مقداری مجلس شورا و مقداری سنای سابق تصاحب کرد و دست نوشته هایش خوشبختانه به همت آقای گلبن به صورت کتاب بارزش بهار و ادب پارسی بچاپ رسید.

همیشه فکر می کردیم مبادا آنچه در دست ما مانده است بمرو زمان فاسد و خراب شود تا شما و موسسه ارزشمند شما و با تلاش و پی گیری و همت آقای علی میرانصاری آنچه مانده بود به آن گنجینه با ارزش تقدیم شده تا برای آیندگان و فرهنگ این سرزمین حفظ شود. دیاری که او آنهمه به آن عشق می ورزید و در راه آزادی و سربلندی آن مبارزه کرد.

خانواده بهار این آثار را با هدف حفظ و انتشار آنها برای آشنائی ملت بزرگمان از فرهنگ گذشته اش تقدیم داشته است و شما این عمل ما را با لطف و محبت پاس داشته اید.

لوح سپاسی که بدست معاونت اول محترم ریاست جمهوری، جناب آقای دکتر حبیبی به خانواده بهار داده شد، در واقع سپاسی بود از سوی دولت محترم و جناب آقای خاتمی ریاست جمهوری محبوب ایران از فرهنگ غنی این سرزمین و شخص ملک الشعراء بهار.

خانواده بهار به نوبه خود تشکر و سپاس خود را تقدیم پاسداران فرهنگ ایران زمین و بخصوص شخص شما می نماید.

با تقدیم احترام

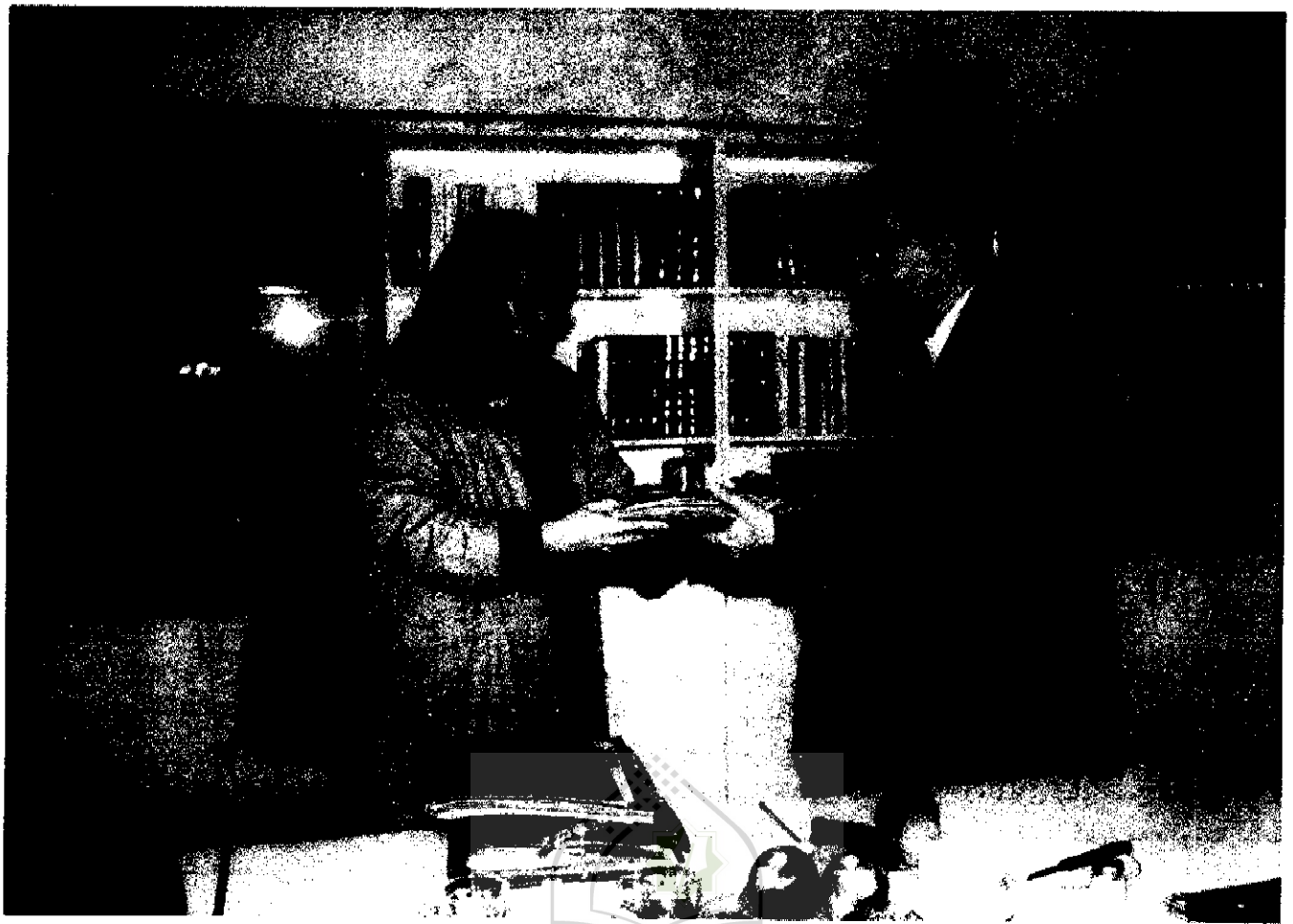
خانواده ملک الشعراء بهار

تیره ماه ۱۳۷۷ شمسی

نزدیک به پنجاه سال پیش که شاعر بلند آوازه ایران، ملک الشعراء بهار روی در نقاب خاک کشید، آثار بسیار (شامل: دست نوشته ها، اسناد، نامه ها...) از خویش برجای نهاد که هر یک چون برگ زرین و مجموعه آنها همانند گنجینه ای پربها بود. در این سالیان دراز، خانواده بهار همواره در اندیشه بودند تا این میراث گرانبها را به گونه ای شایسته و بایسته، حفظ و نگهداری کنند. خوشبختانه پس از آشنائی خانواده محترم بهار با سازمان اسناد ملی ایران، از صمیم قلب ترغیب و تشویق شدند تا میراث به جامانده از پدر ارجمندشان را برای استفاده نسل های آینده این مرز و بوم به این سازمان اهداء نمایند. زمستان گذشته خانم چهرزاد بهار از سوی خانواده محترم بهار در سازمان اسناد حضور یافت و تمامی دست نوشته ها و اسناد پدرشان را جهت اهداء به این سازمان قدیم آقای مهندس شهرستانی نمودند. و به همراه آن، نامه ای خطاب به آقای مهندس شهرستانی نوشتند که در زیر می آید:

جناب آقای مهندس شهرستانی

چهل و هفت سال پیش که پدرمان، ملک الشعراء بهار، درگذشت، کتابخانه بزرگ و ارزشمند او و دست نوشته ها و آثار مکتوب او همه در خانه زیبا و قدیمی اش که می توانست امروزه موزه ای دیدنی باشد، برجای ماند. کاش در آن زمان انسانی با عشق و علاقه و با فرهنگ همچون شما وجود می داشت که مثل امروز با چنین توجهی، آن همه آثار با ارزش را برای فرهنگ و ادب ایران زمین بخوبی حفظ کند. افسوس که دل سوزی، یا آینده نگری، در این سرزمین نبود که بخواهد چنین امر مهمی را سامان دهد. متأسفانه خانواده بهار هم با مشکلات مالی دست بگریبان بود و توان حفظ آن همه را نداشت. مادرمان بارها از دولت مردان و اهل فرهنگ زمان خواست که در این مورد او را یاری دهند. افسوس که گوش شنوای فریادهای همسر بهار نبود. در واقع بهار را دوست نمی داشتند و هیچ



خانم چهارزاد بهار هنگام تقدیم اسناد مرحوم بهار به رییس سازمان

مرحمت‌ها و محبت‌ها

فهرست اسناد اهدایی

خانواده مرحوم ملک‌الشعرا بهار

- ۱- نسخه دستنویس کتاب تاریخ تطور نثر فارسی (سبک شناسی)
- ۲- دستنوشته‌های مرحوم بهار در خصوص شعر و ادبیات فارسی
- ۳- بخشی از کتاب تاریخ احزاب سیاسی (دست نویس)
- ۴- اشعاری از مرحوم ملک‌الشعرا بخط ایشان
- ۵- نسخه‌هایی که روزنامه‌ها و مجلات: مهرگان، جهان تابان، دانشجو، قائم‌مقام قانون، آزداگان، توفیق، وحدت، مرد دنیا، خدنگ، ترانه، فردا، ایران ما، نوبهار، طوفان هفتگی، خبر، سپیدوسپاه، فردوسی، اطلاعات، کیهان، آتشبار، جهان نو، بامداد و رودکی که مطالبی در خصوص مرحوم بهار بچاپ رسانده‌اند.
- ۶- مکاتبات وزارتخانه‌ها و اشخاص مختلف با ایشان مانند:
 - تصویب‌نامه هیئت دولت در صدور گذرنامه سیاسی برای بهار
 - دعوت‌نامه شرکت در جلسات فرهنگستان ایران (۱۳۱۷ش)
 - دعوت دولت پاکستان از بهار جهت مسافرت به آن کشور
 - قرارداد تألیف و تدوین لغات و اصطلاحات معمول در
- ۷- اهداء یک قطعه مدال فردوسی به بهار از طرف انجمن آثار ملی (۱۳۱۳ش)
- ۸- سواد اعتبارنامه ملک‌الشعرا بهار در انتخابات مجلس (۱۳۲۵ ق ش)
- ۹- قباله‌های خرید ملک توسط ملک‌الشعرا و همسرش (۱۳۴۲ ق ۱۳۲۹)
- ۱۰- صلحنامه و اگذاری ائاثیه منزل و کتابخانه ملک‌الشعرا به همسر خود
- ۱۱- درخواست مدیر دبستان اقلید جهت خبرنگاری روزنامه نوبهار (۱۳۲۲ش)
- ۱۲- گزارش تلگرافی حمله به دازایی گلپایگان
- ۱۳- تلگراف اعتراض به تعویق انداختن انتخابات ارامنه آذربایجان
- ۱۴- دستنوشته مرحوم بهار در خصوص زندگی‌نامه و اعتقادات ملی.

۹ بهمن ۱۳۲۹
سفارت کبریا کستان

رؤسہ محترم سورفہ ۲۲ دیہاہ زیارت گردید و از محو اسماہ نامہ ناسر
از دعوت دولت بنگلہ دیش کستان ازین زیارت مجرور شد و ما
چند گردید اما قبر ازین گمانت برت رہا کہ ہو در حق است بحکم وقت
ساجد قرار دارم اکنون ہاں حال باقی است و انور تب دولت دارم
پیارہ برہشتہ و طیارہ تجور رفتن زنگان کردہ اند اینست کہ باہت
علاقہ و عشق ہر زیارت ملک بجز کستان دارم و دوستی
و بیدار فضاہ آن کورہ کہ ہمدرد بس قدم داشتہ ام رضی اللہ
باین سولت و آلاء دعوت نماوندانہ دولت اندو ستارہ سلار نام
بنابرین چارہ ہزارم جزا کہ قدر صبر حکیم تہرا با قطع شد و کار
و مزاج آمادہ حرکت و حضور در محضر گردید اطلاع سفارت کبریا
متمم ہجرت نام و اگر طرہ دیگر شد ہرچہ خوبت خداوند است
خداوند شج بو ریہ نامہ ہجرت حکیم تقیرم ہمدرد
ملک الشعابہاں

در ماه پسر از دانه و نمان و گن تر سکه گوهر شاد حباب دهم که در سکه بود نشسته ام
 طوقا رخاست و باران زود نمت و سبک گلگون سوج از دانه سکه آرابه در روز دیکه
 در قالی سفوش بدیناه ربع آب سیر از مجو در سبک آلابه دانه نبتان در روز قالیها
 درین گرفت و فرج سبک سینه آلام ...
 دیشب هم که شب شسته زما آلامه مو خرابه شیده این حباب دهم که گنسر از آلابه
 است - زله زینا در سوزانند بر اثر تفتنی و جلیب زده گوهر آلامه از آب فرق سازند و ادا
 و نوب داده گفته اند که خوردن آب بگذار تا آلامه است دهم فرج غنیمت حضرت
 مطیع بود آلامه آلامه و آلامه از غنیمت است دهم آلامه حال گفته که در خطر
 بر آلامه نمان مقصود است و گوهر گنسر تصدایان دارد برابر آلامه دانه نمانست
 آن خط مخوف خورد آلامه سبک و آلامه این حالت جلیبست زنگ آلامه در روز اول
 ما بود تا گاه گفته در غنیمت تحقق زود آلامه و در دهن آلامه دهم زینا بقالی سفوش
 است و سبک در روز قالی سبک است و گنره بهن است آن خط دانه نمانست خط این سبک
 لیکن آلامه سبک و گنره سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک
 و فرج و جلیبست در آن سبک قالی بود آب سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک
 ساخته بود سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک
 برابر گنره بندها گنره و جلیبست آلامه سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک
 سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک
 و سبک آلامه نمان ای نمانه و نمان واقعه سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک

در سبک آلامه

پسر عموز عزیز
 سه ماه است بستی و سخت بچام امروز در اوز است
 بخوبت خداوند عالم بهتر است امروز از طرف پسر صبور ادا در کس بود
 اباب خورشید در حالت روحی فرگردد - این مبلغ دولت تومان نزلت
 خدمت رسال شود خواهر سلام با توبه بین افراد به نصحت خانواده اطلاع
 آن صبور عموزاده تقسیم فرماید در سید از هر کدام دریافت داشته برای
 بفرستید و خواهر فراموش در در تمام حضرت رضا علیه السلام راجع می رسد
 کند - خدمت دختر عموز عزیز بول خانم خلیع سلام برینده حال آن در خدمت
 وجود آن خوبت جواد که مقصد خوب در اباب هر خانواده است خدمت
 راه پیغم و تو انم بر امانی در صورت بهم در سید مهد با تمام نوزاد
 کند و انقدر باو بدنگرد رازده رایت برود

۱۰۰/۱